

سرمقاله

نغمه دانش آشتیانی



اما آیا وضعیت فعلی را می توان ایده آل دانست؟ متأسفانه پاسخ منفی است. بحث هایی که در سال های اخیر در مورد نظارت بر محصولات تولید شده در گرفته، عموماً محدود به ممیزی های استراتژیک بوده و آن چه تقریباً مغفول باقی مانده، وجود یک نظام حساب شده برای نظارت کیفی است. منظور، صرفاً وجود نهادی بالادستی و یکدست برای نظارت بر کیفیت محصولات تمام رسانه ها نیست بلکه این وظیفه ای است که هر کدام از نهادهای تولید محصولات نمایشی باید برای خود در نظر بگیرند. در سال های اخیر نمونه های معدود و اولیه ای از این توجه دیده شده: بخش برخی از مجموعه های تولید شده در سامانه های اینترنتی به علت نارضایتی مخاطبان متوقف شده یا مسیر تولید سریال به همین دلیل تغییر کرده است. اما این مثال های کم تعداد باعث شکل گیری یک سیستم دقیق و همه جانبه نشده است. هنوز شاهد این هستیم که آثار بی کیفیت پر تعدادی در شبکه نمایش خانگی تولید و پخش شده و خیلی وقت ها در جلب مخاطب عام هم ناتوان نشان می دهند اما این روند با تولید مجموعه های مشابهی ادامه پیدا می کند. ضربه اصلی ادامه این مسیر، در درجه اول به خود آن سامانه ای وارد می شود که مشغول تولید این مجموعه ها است.

فراموش نکنید که رقابت فعلی صرفاً میان تلویزیون و نمایش خانگی نیست بلکه سریال های پر طرفدار خارجی (به عنوان مثال مجموعه های تولید شده در کشور ترکیه) هنوز هم طرفداران خود را دارند. این رقابت البته تا پیش از ظهور سامانه های اینترنتی به شکل آشکاری به نفع مجموعه های خارجی پیش می رفت. یکی از دستاوردهایی که دست اندر کاران سامانه های داخلی در سال های اخیر بارها مورد اشاره قرار داده اند، غلبه بر موج علاقه مخاطبان عام به تماشای سریال های ترک است. اما اگر بخواهیم نگاه دقیق تری به مسیر طی شده بیاندازیم، اتفاقی که رخ داده نه غلبه بر آن آثار بلکه حل شدن در آن ها بوده است. بسیاری از محصولات نمایش خانگی به جای تبدیل شدن به الگوهای جایگزین برای آن سریال های محبوب، عملاً باز تولید همان الگوهای داستانی با در نظر گرفتن ملاحظات ظاهری اخلاقی محسوب می شوند. یک لحظه به این فکر کنید که اگر رقیب این سامانه ها نه «حریم سلطان» و «فاطمه گل» بلکه مجموعه های باشکوهی همچون «بازی تاج و تخت» یا «بهتره با ساول تماس بگیر» بودند، آیا آثار سامانه های داخلی با این سطح از کیفیت می توانستند آن آثار را، به قول خودشان، «از میدان به در کنند»؟

رقابت میان تلویزیون و شبکه نمایش خانگی در بلندمدت به سود هر دو طرف است اما با توجه به ضعف هایی که در سال های اخیر مشاهده کرده ایم، به نظر می رسد راهی طولانی در پیش است.

حقایق را نمی شود انکار کرد. هر چه قدر هم بخواهیم طور دیگری وانمود کنیم، در نهایت باید بپذیریم که جامعه ما (همان طور که در نقاط دیگر دنیا هم شاهدیم) جامعه ای مصرف گرا است. این یک روند طبیعی است: محصولات تولید می شوند تا توسط مخاطب مصرف شوند. در چنین شرایطی، بدیهی است که یک جامعه متکثر، نیازمند تنوع محصولات عرضه شده است. گسترش بسترهای تولید و عرضه اینترنتی محصولات نمایشی، مهم ترین راه برای برآورده کردن این تنوع به نظر می رسد. با نگاهی به تاریخ سینما به این نتیجه می رسیم که بروز رقابت هایی از جنسی که در سال های اخیر میان تلویزیون و سامانه های تولید محتوای نمایشی در فضای مجازی ایجاد شده، بیش از این که مخرب باشد به هر دو طرف یاری رسانده است. به عنوان مثال، بعد از ظهور تلویزیون در دهه ۱۹۴۰، خیلی ها به این فکر کردند که سینمای آمریکا با بحرانی جدی روبه رو شده است. تلویزیون دشمن خونی سالن های سینما به نظر می رسید. واقعیت هم این است که سینمای آمریکا تا همین امروز هرگز نتوانسته به سطح مخاطبی برسد که در سال ۱۹۴۶ به دست آورده بود. اما این فقط یک روی سکه بود. دست اندر کاران سینما به تدریج راه هایی برای تعامل با تلویزیون پیدا کردند. نتیجه این بود که این دو صنعت مهم توانستند از حضور یکدیگر بهره ببرند: نمایش فیلم های سینمایی جای ویژه ای در برنامه های شبکه های تلویزیونی پیدا کرد و از سوی دیگر نمایش این فیلم ها از تلویزیون به قدری برای دست اندر کاران سینمای آمریکا اهمیت پیدا کرد که روی رویکردهای تصویری فیلم ها اثر گذاشت. در عین حال، بخشی از سینمای آمریکا در مسیر مخالف حرکت کرد. ظهور جلوه های مهم فن آوری همچون تکنی کالر، پرده عریض و نمایش سه بعدی در کنار رونق گرفتن ژانر هایی همچون ژانر تاریخی در دهه ۱۹۵۰، نشان دهنده تلاش صنعت سینما برای انتقال شکوه و عظمتی بود که از طریق قاب کوچک تلویزیون به تماشاگر منتقل نمی شد. بدیهی است که چنین تلاش هایی به رشد تکنیکی صنعت سینما کمک کرد. به عبارت دیگر، ظهور تلویزیون به عنوان یک رقیب جدی تنها به صنعت سینما ضربه زد بلکه از جنبه هایی به بلوغ آن صنعت یاری رساند. مشابه همین وضعیت را می توان در مورد بسیاری از رقابت های دیگر در تاریخ صنایع مرتبط با سرگرمی هم مطرح کرد.